خراسان جنوبی روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی خراسان جنوبی

ساعتی در خانه دختران بی سرپرست و بد سرپرست بیرجند

فرشته‌هایی در آغوش امن یک خانه

رنجبر- این خانه نزدیک است همین جا، دیوار به دیوار نگاه من و تو، خانه ای که هر روز و شبش در سناریوی تلخ زندگی دخترانی می گذرد که جزر زندگی را بیشتر از مدش تجربه کرده‌اند.

نگاه‌های معصومشان گاهی به در بسته ای دوخته می شود که انگار والدینشان سال هاست کلیدش را گم کرده‌اند کابوس های شبانه و تکرار جمله به کدامین گناه در زمان گذشته و حال متوقفشان کرده است و به آینده نمی نگرند.

اهمال کاری والدین کانون گرم خانواده را به سرزمینی قطبی نزدیک کرد و هر یک قندیلی شدند، یخ زدند و بعد هم سقوط، پایانی برای رشته سست زندگیشان بود.

شاید اگر امروز را می دیدند هرگز به اختلافات و اهمال کاری هایشان دامن نمی زدند تا فرزندانشان از خرمن پر بار زندگی چون دانه ای باوزش باد بی اعتنایی دور و دورتر شوند.

نگاههایشان آرام، اما پر از سوال است گاهی اوقات از خودشان می پرسند ما اینجا چه می کنیم و دست هایشان به تمنای داشتن خانواده، مربی هایشان را در آغوش می کشد و ابراز علاقه ای که باید به والدین می کردند را به آنها می کنند.

در آغوش سردنداغم کاری والدینشان قد می کشند و گاهی گریه امانشان را می برد و گاهی از خنده های کودکانه شان پیداست می خواهند برای لحظاتی هم که شده دوران سخت گذشته را فراموش کنند.

معنای واقعی پدر و مادر را در دورانی که باید بهترین دوران زندگی شان باشد درک نکرده‌اند اما تنهایی را با تمام وجود درک کرده و سختی ها را به آغوش کشیده‌اند. گاهی دمل چرکی سر باز می کند و گذشته را ورق می زنند و ابرها میهمان چشم های زیبایشان می شود و بعد باران است که پهنای صورت ظریفشان را می گیرد.

مربی هایشان از اشک هایی می گویند که پا به پای آنها بابت جدایی از مادر ریخته اند و بند دلشان را گره می زنند به اندوه آنها تا شاید بتوانند با دستهای پر مهرشان گرهی باز کنند آنها حتی در خانه هم به فکر این بچه ها هستند اما دلشان می خواهد اگر کمکی هست فقط در ماه مبارک رمضان نباشد و اگر دست خیری از آستینی بیرون آمده برای همه سال همت کند.

۱۳ دختر ۶ تا ۱۲ سال، هر کدام با قد و قامت و چهره ای خاص یک کتاب خواندنی هستند که با خواندن هر ورقش دریایی اشک میهمان چشمانت می شود و دستت برای یاری رساندن و مرهم گذاشتن بر زخم های ریز و درشت آنها که هجی کردن درد مناسب سنشان نیست به تکاپو می افتد.

• ویرانه یک زندگی

۸ سال بیشتر ندارد چشم های خواب آلودش را می مالد با بی میلی پاسخ سوالاتم را می دهد انگار نمی خواهد دوباره آتش زیر خاکستر رنج و سختی هایش شعله‌ور شود.

غم در نگاهش موج می زند هنوز نمی داند او که بزرگش کرده مادر واقعی اش نیست که اگر بفهمد همه آنچه از او در ذهنش ساخته ویران می شود هویت واقعی اش مشخص نیست و مادر فعلی اش سرپرستی او را بعد از مرگ همسرش از خانواده ای بر عهده گرفته است چون از داشتن فرزند محروم بوده است و این مادر به بیماری نادری دچار شده که هیچ کسی را در خانه نمی بیند بیماری که به اغراق مشهور است (هیپومانیا). بوی تعفن از خانه به مشام همسایه ها می رسد و وقتی به خانه شان مراجعه می کنند با وضع عجیبی روبرو می شوند خانه ای کثیف و آلوده با مادری ژولیده و در هم و دخترک هنوز به یاد دارد که موش ها در خانه شان جولان می دادند.

رفت و آمد غریبه ها هم همسایه ها را عاصی کرده بود به همین دلیل دخترک یک بار دیگر بی خانمان و ۶ ماه پیش به خانه دختران بد سرپرست سپرده شد.

مادر گاهی اوقات به دیدنش می آید اما هرگز برای برگشتش به خانه که خواسته اصلی او است حرفی نمی زند. آرزویش سلامت مربیانش است چون کانون گرم خانواده را اینجا تجربه کرده است.

۱۰ روز بازگشت به خانه آن هم در ایام تعطیلات نوروز چیزی به دنبال نداشته و شب اداری ماحصل همه رنج هایی است که این سال ها در قلب کوچکش تلنبار شده و دچار اضطراب و انزوایش کرده است طوری که اوایل ورودش به خانه جدید نمی توانست حتی حرف بزند.

• پنجه در پنجه اعتیاد

۱۰ بهار از زندگی خزان زده اش می گذرد وقتی والدینش در چنگال اعتیاد اسیر بودند او را مسئول خرید مواد کردند در حالی که ۳ سال بیشتر نداشت باید اسباب نشئگی مادر و پدرش را فراهم می کرد اما یک روز پشت شیشه سوپر مارکت محله وسوسه شد تا برای دل کودکانه اش پول مواد را خرج کند و آن روز کتک های پدر سخت بدن نحیفش را آزرد طوری که هنوز هم کابوس تلخ کتک خوردن هر شب رویای کودکانه اش را به هم می زند.

اما این آغاز راه بود تا پدر چاره ای برای بیچارگی اش کند تا دوباره پول مواد مخدر خرج آنچه دلخواه فرزند بود نشود اول سیگار به دست کودکش داد و بعد مواد مخدر صنعتی دخترک را به بند کشید.

دغدغه بازی های کودکانه اش تبدیل به دغدغه تامین مواد شد تا در دنکشد و در خماری فرو نرود و اگر پولی نبود گدایی و دزدی چاره ساز شود.

تالار ها محلی برای دزدی او بود و وقتی خماری، خواب به چشمانش می آورد زمین زیر انداز و آسمان رو اندازش بود. اما توان از کف داده بود باید می رفت اگر چه ۷ سال بیشتر نداشت امازیر صندلی اتوبوسی قایم شد تا فرار کند از همه بندهایی که والدین به پاهایش بسته بودند اما گرفتار شد و بعد آنقدر نرده های تخت ترک اعتیاد را به دندان گزید و فریادهای کودکانه اش در اتاق پیچید تا دوباره در هوای سالم زندگی مهلت نفس کشیدن یافت.

بعد از مدتی پدر متواری شد و مادر تصمیم به ترک و بعد هم ازدواج گرفت و در این زندگی جایی برای فرزندش باز نکرد. بیش فعال شدنش را باید پای مصرف مواد مخدر صنعتی و غفلت والدینش گذاشت که گاهی مربی ها و مسئولان مرکز با او در این مورد مدارا می کنند که همین موضوع او را آزار می دهد و مادر را به جنون کشید و او را از خانه، خواهر و برادرش دور کرد آنها در مراکز دیگر بهزیستی هستند و او اینجا ساکن است و مادر جایی دیگر بستری.

برادرش برای آنکه نان حلالی به دست بیاورد لباس عروسکی می پوشد و حقوقی دریافت می کند حالا در شرف ازدواج است و تصمیم بزرگی برای خواهر هایش گرفته تا آنها را پیش خودش ببرد و دوباره خانواده ای را دور هم جمع کند هر چند شمع وجود پدر دیگر روشن نیست. او عاشق خانواده اش است و امید به بازگشت را لابلای تقویم روزهایش ورق می زند و آرزویش این است مادر هر چه آرزو دارد برآورده شود.

اینجا را مانند خانه ای طراحی کرده‌اند تا حس کنند آنها هم خانه ای دارند امن و آرام که می توانند بازی کنند، درس بخوانند و به دور از دغدغه های زندگی گذشته لحظه ای آرامش واقعی را تجربه کنند اما هیچ کجا خانه ای نمی شود که پدری داشته باشد که با روی گشاده و دست پر از در وارد شود و آغوش به روی دختر کوچکش بگشاید و هیچ بوی غذا و نوازشی جای غذا و نوازش های مادر را نخواهد گرفت که اگر می دانستند سرنوشت طفل شان این نبود.

لمس این دردها توسط مسئول فنی این مرکز اورا به شکر گزاری داشتن خانواده ای خوب و مناسب وا می دارد. داستان های پیچیده این بچه ها را الابلای پرونده ها خوانده است و دلش به درد می آید از اینکه خانه ای با این عنوان وجود دارد «دختران بد سرپرست و بی سرپرست»، که کاش نبود این خانه و بچه ها در کانون گرم خانواده قد می کشیدند نه در پیله غم و اندوه خودشان.

دلش می خواهد این دختران گذشته را فراموش کنند و در حال زندگی کنند و به فکر اهدافشان در آینده باشند. برگزاری برنامه های مختلف و شادجای والدین و خانواده را برایشان در این خانه نمی گیرد و شاید لحظاتی لبخند روی لبهایشان بیاورد اما خلا ناشی از نبود کانون گرم خانواده آنها را در زمان حال متوقف می کند. و حالا این خانه چشم انتظار دست هایی است که دلشان را با آسمان پیوند زده اند تا لبخند بر لب های این چهره های معصوم بنشانند بی توقع و بی تکلف و در ماه مهربانی به یمن سفره پهن آسمان دیگران را میهمان سفره شان کنند دست نوازش بر سرشان بکشند و چون امام مهربانی به نان و خرمایی هم که شده مهمانشان کنند تا حس تنهایی و غربت از وجودشان رخت بر بندد.

> ۱۳ دختر ۶ تا ۱۲ سال، هر کدام با قد و قامت و چهره ای خاص یک کتاب خواندنی هستند که با خواندن هر ورقش دریایی اشک مهمان چشمانت می شود

آرزویش این است که آرامش داشته باشد.

گرفتن مدرک دکترای مامایی رویای کودکانه اش است تا هیچ کودکی دنیای سرد و بی روح گذشته او را تجربه نکند و هر کودکی که به دنیا می آید در آغوش مادر آرام بگیرد.

ترس بازگشت به روزهای قبل از ترک آزارش می دهد نمی خواهد دوباره آواره کوچه و خیابان ها شود و درد در مغز استخوان هایش بپیچد.

اگر چه لحظه ترک از شدت درد حس تنفر در وجودش شکل می گرفت اما از خانه ای می گوید که برای مادر در قلب کوچکش ساخته است.

• بازگشت به خانه

داستان بعدی را که بشنوی کمی امیدوار می شوی. به کم حرفی و انزوا در خانه می شناسندش اما مرگ پدر، مادر را به جنون کشید و او را از خانه، خواهر و برادرش دور کرد آنها در مراکز دیگر بهزیستی هستند و او اینجا ساکن است و مادر جایی دیگر بستری.

برادرش برای آنکه نان حلالی به دست بیاورد لباس عروسکی می پوشد و حقوقی دریافت می کند حالا در شرف ازدواج است و تصمیم بزرگی برای خواهر هایش گرفته تا آنها را پیش خودش ببرد و دوباره خانواده ای را دور هم جمع کند هر چند شمع وجود پدر دیگر روشن نیست. او عاشق خانواده اش است و امید به بازگشت را لابلای تقویم روزهایش ورق می زند و آرزویش این است مادر هر چه آرزو دارد برآورده شود.

اینجا را مانند خانه ای طراحی کرده‌اند تا حس کنند آنها هم خانه ای دارند امن و آرام که می توانند بازی کنند، درس بخوانند و به دور از دغدغه های زندگی گذشته لحظه ای آرامش واقعی را تجربه کنند اما هیچ کجا خانه ای نمی شود که پدری داشته باشد که با روی گشاده و دست پر از در وارد شود و آغوش به روی دختر کوچکش بگشاید و هیچ بوی غذا و نوازشی جای غذا و نوازش های مادر را نخواهد گرفت که اگر می دانستند سرنوشت طفل شان این نبود.

لمس این دردها توسط مسئول فنی این مرکز اورا به شکر گزاری داشتن خانواده ای خوب و مناسب وا می دارد. داستان های پیچیده این بچه ها را الابلای پرونده ها خوانده است و دلش به درد می آید از اینکه خانه ای با این عنوان وجود دارد «دختران بد سرپرست و بی سرپرست»، که کاش نبود این خانه و بچه ها در کانون گرم خانواده قد می کشیدند نه در پیله غم و اندوه خودشان.

دلش می خواهد این دختران گذشته را فراموش کنند و در حال زندگی کنند و به فکر اهدافشان در آینده باشند. برگزاری برنامه های مختلف و شادجای والدین و خانواده را برایشان در این خانه نمی گیرد و شاید لحظاتی لبخند روی لبهایشان بیاورد اما خلا ناشی از نبود کانون گرم خانواده آنها را در زمان حال متوقف می کند. و حالا این خانه چشم انتظار دست هایی است که دلشان را با آسمان پیوند زده اند تا لبخند بر لب های این چهره های معصوم بنشانند بی توقع و بی تکلف و در ماه مهربانی به یمن سفره پهن آسمان دیگران را میهمان سفره شان کنند دست نوازش بر سرشان بکشند و چون امام مهربانی به نان و خرمایی هم که شده مهمانشان کنند تا حس تنهایی و غربت از وجودشان رخت بر بندد.

حرف مردم

- باز هم در تقسیم اعتبار حق بعضی از شهرستان ها مثل سرایان ضایع شد و مثل این که در استان این رویه تبدیل به عادت شده است. آیا شاخص هایی که باید مد نظر قرار گیرد رعایت می شود؟
- مسئولان میراث فرهنگی سرایان بگویند چطور بودجه برای مرمت حمام تاریخی سرایان وجود دارد اما برای انجام عملیات مطالعه و گمانه زنی و کاوش های باستان شناسی محوطه کله کوب آیسک با قدمت پنج هزار ساله اعتباری وجود ندارد.
- چرا فقط آمار کاهش آسیب های اجتماعی در استان اعلام می شود چرا در مورد دیگر معضلات اجتماعی استان اطلاع رسانی دقیقی صورت نمی گیرد.
- در محدوده پر تصادف جاده بیرجند- قاین عملیات راهسازی در برخی نقاط کند انجام می شود . چرا با اولویت، اقدام به دو بانده سازی این محور نمی شود؟
- طرح اصلاح خطوط اتوبوس رانی در مهرشهر بیرجند به ظاهر مورد قبول اعضای شورای شهر قرار نگرفته است، تکلیف ساکنان این منطقه چه می شود؟ تا کی قرار است فقط مطالعه شود؟ در رفت و آمد هایمان مشکل داریم.
- مسئول نظارت بر اتوبوس های برون شهری کیست؟ چرا قیمت بلیت اتوبوس بر اساس کیفیت و درجه آن نیست؟ از فردوس به مقصد مشهد نرخ کرایه اتوبوس اسکانیا با یک اتوبوس معمولی و فرسوده که خدمات دربستی هم نمی دهد چندان تفاوتی ندارد.
- چرا مسئولان بیرجند برای جمع آوری خودروهای فرسوده که بعضی ها آنها را به عنوان آهن قراضه خرید و فروش می کنند و در کوچه ها رها است اقدامی نمی کنند؟
- شبکه فاضلاب در برخی محلات بیرجند از جمله کوچه های نیلوفر و پونه اجرایی نشده و این امر اعتراض ساکنان محلات را به همراه دارد.
- *مسئولان استان فکری به حال تاخیرهای کلافه کننده پروازهای فرودگاه بیرجند بردارند. واقعا مشکلات زیاد است و پاسخگویی کم؛ لطفا پیگیری کنید.
- ای کاش بهزیستی در مورد پرداخت شهریه مهدهای کودک درست اطلاع رسانی کند؛ در بعضی مراکز با سلیقه مدیر نرخ ها تعیین می شود. اگر کودک دو هفته در ماه حضور نداشته باشد هم باید شهریه بدهیم.
- وضعیت شبکه دیجیتال در قاین بسیار نامطلوب است. در این شهرستان فوتبال اروپا پخش نمی شود و قرار بود سال گذشته مسئولان این مشکل را رفع کنند اما تاکنون اقدامی صورت نگرفته است.

جدول، سرگرمی، ورزش ذهن [۱۳۹۶/۳/۲۵]

معمای هوش

دوشنبه ها و پنجشنبه ها

به نظر شما ترتیب چینش تکه های رنگی را چطور باید تغییر دهیم تا به این شکل برسیم؟ سعی کنید مرز قرار گیری تکه ها را روی شکل مشخص کنید.

توجه داشته باشید که ممکن است برای این چینش مجبور باشیم از قسمت پشتی بعضی از تکه‌ها استفاده کنیم.

می توانید مربع رنگی را مطابق همین الگو در اندازه بزرگتر بسازید یا از روی خطوط مشکی همین مربع را برش بزنید و با کمک تکه های واقعی، این شکل را بسازید.

متوسط | زمان پیشنهادی ۱۵ دقیقه

ناویاب

دوشنبه ها و پنجشنبه ها

«ناویاب» از پرطرفدارترین سرگرمی های منطقی جهان است.

هر ناویاب، یک اقیانوس فرضی مربعی است که چند «رزم ناو»، «ناوشکن»، «اژدرافکن» و «زیردریایی» در آن پنهانند و ما باید جای ادوات پنهان را کشف کنیم.

نوع و تعداد ادواتی که باید در هر اقیانوس باشد، زیر آن مشخص است. ضمنا همیشه «رزم ناو» ۴ خانه، «ناوشکن» ۳ خانه، «اژدرافکن» ۲ خانه و «زیردریایی» یک خانه جا اشغال می کند. برای راهنمایی، ماهیت بعضی از خانه ها از ابتدا مشخص شده است.

زمان پیشنهادی ۱۰ دقیقه | ساده

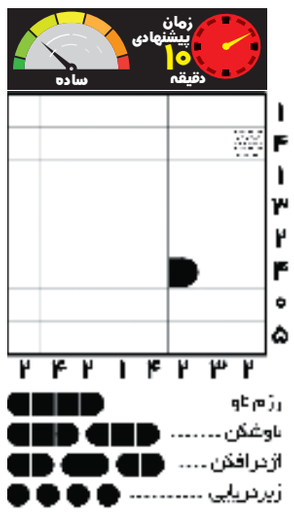

قوانین:

ارقام بیرون جدول، می گویند که در هر سطر یا ستون چند خانه در اشغال ادوات است.

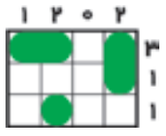

تمام ادوات در این معما «افقی» یا «عمودی» هستند و هرگز مورب نیستند.

ادوات در این معما به هیچ وجه در همسایگی هم نیستند (حتی از گوشه ها).

نکته ها:

- شکل پُرشدگی خانه ها مهم است و پُر بودن خانه ها با «دایره»، «نیم دایره» یا «مربع» در صحت جواب تاثیر دارد.
- «ناویاب» یک معمای منطقی است، پس موقعیت ها را حدس نزنید! با کشف روابط منطقی، ماهیت قطعی بعضی خانه ها را تعیین و با استناد به خانه های معلوم، کم کم ماهیت خانه های دیگر را هم مشخص کنید.
- خانه هایی را که مطمئنید حاوی هیچ یک از ادوات نیستند، با ضربدر یا علامت آب (≋) مشخص کنید.
- خانه هایی را که مطمئن هستید باید پُر باشند ولی شکل پُرشدگی شان مشخص نیست، با یک خال سیاه مشخص کنید.
- پاسخ معمای امروز را در روز بعد ببینید و با پاسخ تان مقایسه کنید. فراموش نکنید که ناویاب فقط و فقط یک پاسخ دارد!

واژه یابی

پنجشنبه ها

ل	ق	ا	ر	ه	ر	ا	ت	س	ب	ف				
ی	س	ر	د	ا	ر	ش	غ	ل	ا	ا				
م	ن	چ	س	ت	ر	ی	ی	گ	ز	د				
ی	ق	ل	ن	ر	ی	ت	ه	ب	ت	ه				
ل	د	د	ف	م	ف	ر	ک	ز	ا	ا				
ی	ر	ا	م	ر	و	س	ش	ج	ب	س				
د	ت	ک	گ	س	ت	خ	ه	ا	ر	ی				
ی	ن	و	ی	ا	ب	ن	ن	م	ز	ا				
ی	س	ه	ن	ه	ا	غ	ا	ج	ی	ف				
ن	م	م	ی	س	ل	ر	ع	ه	ل	ی				
ش	س	ح	ی	ع	ط	ق	ط	ا	ک	ف				
ی	و	ا	ط	م	ی	ن	ا	ن	ا	ر				
ر	ی	ن	س	م	ن	ط	ق	ی	م	ش				
ی	ت	چ	ه	ا	ن	ا	ر	ی	ا	ا				
ن	ل	د	ل	ی	ب	ا	ز	ی	ر	ح				

زمان پیشنهادی ۱۵ دقیقه | ساده

قانون: کلماتی از متن زیر، رنگی هستند. هریک از این کلمات به صورت یک خط مستقیم در جدول مخفی شده اند. آنها را بیابید و خط بزنید. خواهید دید که برخی حروف هنوز خط نخورده باقی مانده اند. آنها را به ترتیب در کنار هم قرار دهید تا رمز این سرگرمی «واژه یابی» را کشف کنید.

نکته ها: کلمات شاید در جهات مختلف حتی چپ به راست، پایین به بالا یا مورب درج شده باشند. در آغاز کلمات بلند تر را پیدا کنید و در آخر سراغ کلمات کوچک ۴ حرفی، ۳ حرفی و ۲ حرفی بروید.

تیم ملی فوتبال کشورمان با برد شیرین و قاطعانه مقابل ازبکستان به جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه سلام داد؛ سلامی گرم و روحیه بخش. این بار آسان تر از ۴ بار قبلی بلیت جام جهانی را گرفتیم و در بین ۲۱۰ تیم حاضر در مرحله انتخابی فقط برزیل بود که زودتر از ما از خط رد شد. این صعود قاطعانه در خیلی از روزنامه ها و سایت های معتبر جهان بازتاب داشته است. در این گزارش نگاهی می اندازیم به بازتاب این اتفاق شیرین در رسانه های جهان.

سایت فیفا: ایران به عنوان اولین تیم آسیایی بلیت جام جهانی روسیه را گرفت. فقط برزیل توانسته بود قبل از ایران صعود خود به جام جهانی را مسجل کند. ایران در گروه اول انتخابی جام جهانی در قاره آسیا امتیازات لازم را کسب کرده و حالا ۲ بازی آخر این تیم تشریفاتی خواهد بود.

روزنامه بیلد آلمان: ایران صعود به جام جهانی را جشن گرفت. ۸ بازی، ۶ برد، ۲ تساوی، ۸ گل زده و بدون گل خورده؛ این آمار نشان می دهد که ایران حالا قدرت اول آسیاست و با فوتبال منطقی و حساب شده خود می تواند در جام جهانی حرف های زیادی برای گفتن داشته باشد. حالا گل زدن به ایران غیرممکن شده!

روزنامه سویت روسیه: در جشن صعود ایران به جام جهانی سردار آزمون ستاره میدان بود. او یک گل زد، یک پاس گل داد و به عنوان بهترین بازیکن انتخاب شد.

روزنامه دیلی میل انگلیس: ایران بعد از برزیل دومین تیمی شد که صعودش را به جام جهانی روسیه قطعی می کند. کارلوس کی روش، دستیار سابق الکس فرگوسن در منچستر یونایتد از همین حالا خودش را در جام جهانی ۲۰۱۸ می بیند.

فاکس اسپورت: تیم اول آسیا با اطمینان و قدرت توانست در جام جهانی روسیه حاضر باشد. با این حال تیم ملی ایران به اهداف بزرگ تری فکر می کند.

سودوکو

هر روز

قانون: ارقام ۱ تا ۹ را در خانه‌های خالی بنویسید به طوری که در هر سطر، در هر ستون و در هر مربع ۳ در ۳ هیچ رقمی تکراری نباشد.

زمان پیشنهادی ۲۰ دقیقه | ساده

				۷				
۳			۹		۴			۵
		۸				۲		
	۸			۳			۷	
۷								۲
	۲			۵			۱	
		۹				۴		
۴			۲		۳			۷
				۱				

زمان پیشنهادی ۳۰ دقیقه | متوسط

۵	۱					۷		
۴		۲		۹				
	۹		۸					۱
		۳			۸			
	۴			۱		۲		
			۶			۴		
۸					۳		۶	
				۷		۸		۳
					۱		۴	۲

زمان پیشنهادی ۴۰ دقیقه | سخت

				۴				
۷				۹				۲
	۱		۷		۵		۹	
		۵				۳		
۸	۲						۶	۵
		۹				۲		
	۵		۹		۱		۲	
۶				۳				۱
				۸				

پاسخ ها

وزیر سفید به c۳ می رود. سیاه در حرکت بعدی مات است: اگر سرباز سیاه وزیر سفید را بزند، سرباز سفید ردیف d به پیش می رود. اما اگر همان سرباز سیاه، سرباز سفید را بزند، وزیر سفید به f۶ می رود. اگر سرباز سیاه ردیف e پیشروی کند، وزیر سفید به c۸ می رود. اگر هم شاه سیاه به e۵ برود، وزیر سفید به c۵ می رود.